

بررسی و نقد : قاسم صافی

از کسانی که تمدن‌ها را احصاء و شماره نموده اند مورخ بزرگ و مشهوری به مانند "تویب بی" را میتوان نام برد. وی یک تقسیم بندی ۲۱ تمدنی دارد که بعد در پاره ای از اینها چون کوچکتر بودند به ۲۴ و در یک تقسیم بندی جدیدتری تمام تمدن‌ها از بزرگها و کوچکها که با هم شماره میکند تعداد آنها را به ۳۰ تمدن نام میبرد. تمدن اسلام در بین این ۲۱ تمدن یا ۲۴ تمدن یا در بین این ۳۰ تمدن که تاریخ بشر از بزرگ و کوچک میشناسد تمدن یکتا و بی نظیر است. ص ۲۳

می‌گوئیم و "می‌آئیمش از عهده بیرون"



سهم اسلام در تمدن جهان

دکتر ناصر الدین صاحب الزمانی. انتشارات بعثت، ۱۳۴۹.

پرتال جامع علوم انسانی

سالیهاست که سیطره‌ی تمدن غرب در غالب ممالک دنیا سایه افکنده و با سلطه غافلگیرانه خود جوامع را به زیر نفوذ خویش درآورده و رخساره‌ی آنها را دگرگون ساخته است. اجتماعات مختلف بشری به جبری هیولائی و با تغییر بی تناسب و زیانمند که از این رهگذر یافته اند به سوی افقی مجهول که همانا سرایی بیش نیست و چه بسا که بن بستی هولناک و راهی وحشت زا و بی برگشت باشد پیش میرود. این اجتماعات غالباً "به دلیل برخورد جوفزهنگشان با تمدن اخذ شده، معلق و از خود گسسته گشته و غرب، مردم با تفاخر بسیار کتاب فرهنگ آنان را که همانا پایه های تمدن خویش را بر آن بنا نهاده است بر سر خودشان میکوبد و

از شیرازه میگذرد .

چندی پیش (افسوس که چه دیر شده است . . .) گروهی از متفکرین اسلامی مدحت دانشگاه عبدالعزیز عربستان سعودی گرد هم آمدند تا " سیم تمدن اسلام را در بیشتر تمدن جهان " روشن سازند و با تعین و تذکار تاثیر عظیم آن قسمتی از دین خود را که تاکنون با خواب قرصها از آن بی خبر مانده و چه زبانها که از این رهگذر یافته اند ، ادا کنند و این کاری نیکست . . . و باز سالها است که اصحاب فراست و عالمان بی غرض منکر این سیم بزرگ شده و مشتت است بر دهان غول غریب هیولای صنعتی تمدن نمای غرب که این اثر را با موثر بیگانه ساخته است . (گرتو بینی شناسی دگر) . و پایدی بنای مقابله و استقامتی را در برابر مدعیان تمدن کنونی که غالباً " ایدالهای زیانمند مفرضاند خود را همراه غول صنعت و تکنیک به جان کشورهای جهان سوم انداخته اند ، بگذارند .

در این جلسه ، تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی و تدریس علوم انسانی - اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است . بیشتر نیز این مسأله منبج و مورد توجه بوده ، لیکن بسیار نارسا و ناکافی برگزار شده است . این بار طرح تجدید این مسأله به طور جدی و رسمی صورت گرفته که امیدواریم حاصلی در خور و منظر از این جمعیت بگیریم . مطلبی که از نظر میگذرد با توجه به گردهم آئی متفکرین اسلامی و طرح بحث فوق عنوان میشود و هم سه مناسبت ، کتاب دکتر صاحب الزمانی را بر می گیریم که به این مقال بسیار نزدیک است و شایان دقت .

غرب ، کشورهای شرق را با آشوبی که در دهه های اجتماعی آنان ایجاد میکند به حالت سرگردانی و بیلتکلیفی و در نتیجه به وضعیتی که آنان را از آرمان تهنی کند درصاورد . حال آنکه برای اجتماعات غربی نمیتوان آرمانی مسلم و معقول جست که لااقل حاجتگیر آن باشد . بدین سان اجتماعاتی با در هوا و هویت گم کرده ، برجای میگذارد که نه از اصل خود یادی دارند و نه تمدن جدید را هضم کرده اند .

۱ - برای آشنائی بیشتر با جهت فکری مؤلف به کتابهای : خط سوم ، جوانی بر رنج ، خداوند دوکعبه ، روح بشر ، اقتصاد و بیماری کتاب و معبدانند چرا . . . آنسوی چهره هفراز کرشمه ها ، خود آموز اسپرانتو ، زبان دوم مراجعه شود

دکتر صاحب الزمانی مینویسد " جهان ما درحالتی است که ایدئولوژیها و آرمانها متزلزل شده اند و جهان دچار یک فقر آرمانی است و آرمان که هدف زندگانی بشر را تعیین میکند چون متزلزل است در نتیجه این گنجی نسبت به آینده که، فایده زندگی چیست؟ هدف از زندگی چیست؟ امروزه در نسل جوان ما خیلی قویا " و صراحتاً به چشم میخورد و مورد سؤال بسیاری از جوانان است . . . این مسأله "من کیستم" و شناخت هرکس برای هر انسانی لازمه حفظ سلامت روحی او است، و الاعتماد به نفس متزلزل میشود . . . عین این وضع برای ملتها هم وجود دارد یعنی اجتماعات باید وحدت و شخصیت خود را بدانند و بایستی یک شناسنامه فرهنگی و یک برگ، هویت اجتماعی در دست داشته باشند تا بتوانند ملتی مستقل و متکی بر خود و گذشتهی خود باشند و تزلزل در آنها راه نیاید .

به این دلیل لازمست بر نسل جوان که گذشتهی خودش را بشناسد و شناخت گذشتهی ما به ویژه اسلام که دین حاکم بر این سر زمین است، دینی که تمدنی پدید آورده است اولاً " از نظر سلامت روحی خودمان و به دست دادن برگ هویت و شناخت شخصیت خودمان لازم است و بعداً " ضروری است که جامعه ما که دائماً در حالت قرض و عاریه و اقتباس تئوریها و فرضیههای غریب برای کمک به پیشرفت خودش می باشد، گذشتهی خود را بشناسد و فعل و انفعال و مکانیسم های اجتماعی خودش را درک بکند که آیا یک فرضیه اگر بیاید اینجا دفع میشود و خنثی میگردد و نابود میشود یا نه " ص ۱۳

آنچه را صاحب الزمانی در این کتاب نوشته است پژوهشگران با دقت بررسی کرده اند منتها اولین بار است که ابعاد گسترده تری از " اثرات تمدن اسلام " مطرح میگردد و نواندیشی و خوش فکری نویسنده در طرح آن به گونه ای زیبا و دلپذیر و عقلانی و روحانی

جلوه گر میشود. اینکه چرا این مسأله را صاحب الزمانی مطرح کرده و به آن توجه پیدا کرده است دلایل بسیاری دارد. به قول خودش یک علتش توجه به مسأله روانی و فرهنگی جوانان ایران است که به طور کلی در حال حاضر دارای سه مرحله روانی و فرهنگی هستند و این سه مرحله را زیر عناوین کلی "بیگانگی یا گذشته" "بی خبری از حال" - "گیجی و ابهام در باره آینده" خلاصه و توجیه میکنند و خواهیم دید که این توجیه و تبیین و طرح چنین مطالبی در قیاس با عنوان کتاب "سهم اسلام در تمدن جهان" ابعاد گسترده و تازه ای را پیش میکشد که تاکنون بدین صورت از آن سخن نرفته است. جان کلام در ابعاد تازه، عنایت به مغز و روح جوانان است که از نظر تاثیر اسلام از لحاظ جنبه روانی و تربیتی، صیقل می یابد.

کتاب "سهم اسلام در تمدن جهان" کتابست کوچک و ساده نما، اما فشرده و جامع به بیان ناظری نیربیین و با ذوق و از لحاظ قوت مضمون یکی از پرمایه ترین و هیجان انگیزترین نوشته هائی است که درونمایه اش اندیشه ها و انگیزه های اسلامی و در عین حال سازنده ترین و نوترین افکار در باب آشنائی بر "رهبری خود" است.

گفتیم بیان ناظری ... "نه قلم وی زیبا" سهم اسلام در تمدن جهان، حاصل یک سخنرانی است که در سال ۱۳۴۹، در تبریز ایراد شده است. و به گفته ی ناشر "یک نوشت - گفتار است، نه یک نوشتار" متن آن، در اصل نوشته نشده است. بلکه از روی نوار ضبط پیاده شده و بدون تغییر و اصلاح عبارتی، چاپ شده است.

بیان سخن مستقیم است، و همه را مخاطب قرار داده است. سنی، شیعه، متجدد، متقدم! و از همین رو، به عربی در اردن ترجمه شده و انتشار یافته است، و ترجمه ی انگلیسی آن نیز در هندوستان، در دست انتشار است.

نویسنده با دقتی کم نظیر که در عین حال از ظرافت و نکته سنجی یک ادیب توانا حاکی است سهم اسلام را در تمدن جهان با طرح مباحثی نظیر. (سه بعد اسلام، اسلام، تجدید پیام، قرآن و روشنفکری، ابلاغ آرمان برای جهانی بی آرمان، تمدن اسلامی و ارکان آن، اسلام، بانک فرهنگی، با توجه به عوامل تاریخی و اقتصادی و اجتماعی، به خوبی نشان میدهد.

اسلامی که به اعتقاد نویسنده در حوزه ی فرهنگی و مدنی ما نفوذ دارد، حواه و بناخواه نیروئی است که در آن، سه چیز را میتوان مشخص داشت. یکی دین، دیگری امپراطوری

و حکومت ، و آخری تمدن و فرهنگ است .

... برای شناخت صحیح جامعه شناسی اسلام و ایران ، تفکیک این سه جنبه از هم لازمست ... زیرا این سه جنبه ، در عین همبستگی و وابستگی به یکدیگر ، دارای تحول های مختلف ، عناصر متفاوت ، و حتی متضادی نسبت به هم هستند که باید یک یک آنها کاملا شناخته شود .

این کتاب کم حجم ولی عمیق جلوه‌ی بارزی است از واقع بینی خاص مولف در برخورد با مشکل عقب افتادگی جوانان " که از گذشته و حال خودشان بی خبر شده اند " با داشتن دیدی صحیح از آینده و معرفت کافی از گذشته که به شکلی عریان ، ارائه میشود . واقع بینی ، انسان دوستی و بیطرفی نویسنده ، گرمی رابطه ای را که وی در خلال سطور کتاب با خواننده برقرار میسازد ، دو چندان میکند .

در کتاب که به اقتضای ضرورت ، مولف میکوشد تا علل و زمینه های اجتماعی رواج دین اسلام را در مدتی کوتاه در بخش بزرگی از جهان نشان دهد و عوامل دوام و بقای آن را برشمارد به اختصار برگزار شده و به طور بایسته مورد توجه و بحث قرار نگرفته است و گمان می رود دلیل آن ، همان نوشت گفتار بودن کتاب باشد .

در راههای عملی که این کتاب ارائه میدهد همواره تاکید میکند که نیل به ارزشهای نو قابل احترام بشر که به سابقه معارف و اطلاعات بیشمار حالی به بشر مکشوف و معلوم شده است و واژگون کردن ارزشهای بت پرستانه و شخصیت پرستانه و انفرادی و حکومت های جابر ، بی تردید مستلزم آگاهی وسیع به معارف عمومی و پیروزی فرهنگی و مدنی و سیاسی و دینی اسلام و مهمتر از آن داشتن روح علمی است و این روح علمی با تقلید صرف از روشهای دیگران و دنباله روی کورکورانه از معیارهایی که در غرب به دست آمده است ، حاصل نمیشود . تقلید کورکورانه ما را دچار یک نوع " غرب زدگی " میکند و " غرب زدگی " درحقیقت تأثیرپذیری از چیزی است که اصالت ندارد و دارای عمق نیست . بدیهی است ماقبل از آنکه به غرب برسیم و غربی شویم ادای غرب را در آورده ایم . لذا بشر غربزده ، بشری میشود که نسبت به محیط اولیه اش ، با خانواده و محیط خانوادگی و دوستانش و خودش بیگانه میگردد .

طرح موضوع " ناهمزمانی " که مولف در کتاب آورده است ، نکته ای بسیار دقیق و قابل توجه است و اگر به این امر اعتنا شود دلیل بسیاری از معایب و خلی که با اخذ بی رویه

رفتار غرب حاصل شده است بر ما روشن میشود .

امروز مد شده است که می‌گوئیم قرن بیستم . این قرن بیستم بر اساس مبدأ تاریخ غرب ، تهیه شده . معلوم نیست که وقتی در غرب ، قرن بیستم است ، در اینجا هم قرن بیستم باشد ، و در آفریقا هم قرن بیستم باشد یا نه ما مبدأ تاریخ غلطی را مقیاس سنجش خودمان قرار داده‌ایم . . . این ناهمزمانی موجب شده است که ما بسیاری از پدیده‌هایی را که جهان غرب در اثر تحولات خاص صنعتی خودش به آنها رسیده ، بگیریم و غلط تفسیر کنیم ، و چون هنوز در ما پیدا نشده ، اضطراراً " بخواهیم که آنها را ، ایجاد کنیم .

ص ۱۰

دقیقترین و عملی‌ترین نظام اجتماعی یا قوانین و فرامینی که تمام مظاهر و شوون زندگی را در برمی‌گیرد در فرهنگ دینی و سیاسی ما مورد عنایت قرار گرفته و جامع‌ترین روشها ارائه شده است . در این نظام و قوانین حاکم به آن هیچگونه نارسائی و تبعیض و منفعت طلبی و فردگرایی نیست . راهی است جهت بهروزی و رستگاری همه‌ی مردم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

" حکومت اسلامی حکومت شخصی و انسانی نیست ، بلکه تئوکراسی یعنی خدا شاهی است . در حکومت الهی در تئوکراسی یعنی در حکومت خدا شاهی و تمدن اسلام ، محمد (ص) برای خود سهمی قائل نیست حکومت جنبه شخصی ندارد ، با اینکه تمدنی که آورده‌ار لحاظ ظاهر همه چیزش جنبه شخصی داشته ، یعنی زاد و روزش و نام گذارش مشخص و معین بوده است . . . پیام را ببینید که چه چیز است ، با من چکار دارید که تا من گفته‌ام یا او گفته ، ماهم یک چیز می‌گوئیم و از یک منبع و یک منشاء الهام گرفته‌ایم ، اینجا شخص وجود ندارد که تو بخواهی به او نسبت بدهی " . . . ص ۳۶

و اینک آنچه در مجموع مورد تاکید و سفارش است .
 ایرانی سعی کند روح و فکرش در تسخیر بیگانه قرار نگیرد و شخصیت و هویت خودش را حفظ کند . هر قدر اطلاعات ما از تاریخ و وابستگی و عشقمان به آداب و سنن قابل احترام گذشته و روابط و رفتار انسانی و بهنجاری که داشته ایم بیشتر باشد ، دوباره به لطف همین عوامل ، گسستگی ها پیوسته شده ، امکان وحدت و یکپارچگی و نزدیکی بیشتر میشود و هویت ما به صورت یک مجموعه ملت با آرمانی مشخص و رفتاری وابسته به آن آرمان و نتیجه ای حاصل از آن رفتار ، تحقق حاصل میکند . باید فهمید که رشد اقتصادی تنها کافی نیست ، بلکه باید رشد اقتصادی با هویت فرهنگی و ملی توأم باشد و خواستها و آرمانهای کشورهای مسلمان و جهان شرق مورد نظر قرار گیرد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پژوهشگاه علوم انسانی